

گفتگو با فریبرز مجیدی

۸۱

— آقای مجیدی، محتاج به معرفی نیستید اما برای خوانندگان بخارا که دور از ایران بسر می‌برند قدری درباره خودتان بگویید.

گمان نمی‌کنم که اصولاً برای کسی چندان اهمیتی داشته باشد که بداند من در سال ۱۳۱۹ در مشهد متولد شدم، در ۱۳۲۷ با خانواده به تهران آمدم، دوره‌های تحصیلاتم را در این شهر گذراندم، در رشته‌های فلسفه و علوم تربیتی و مدیریت آموزشی تا سطح فوق‌لیسانس پیش رفتم، در حدود بیست سال در یکی از شهرهای مازندران معلمی کردم، پس از وقوع انقلاب به بازنشستگی زودرس واداشته شدم، و تاکنون برای گذران زندگی کارهای متعدد کرده‌ام؛ ولی شاید برای عده‌ای مهم باشد بدانند که بیشتر از چهل سال به کار ترجمه و ویرایش اشتغال داشته‌ام، ده‌ها کتاب و صدها مقاله (شاید هم هزارها مقاله) را یا به فارسی برگردانده‌ام یا ویراسته‌ام، و آن قدر مته به خشخاش گذاشته‌ام که اطرافیانم را ذله کرده‌ام.

— تاکنون چه کتاب‌هایی منتشر کرده‌اید؟

کتاب‌هایی که از سال ۱۳۴۶ تاکنون با ترجمه من انتشار یافته‌اند بدین قرارند: پلی برای عبور؛ خزرهره‌های سرخ؛ طرحی کوتاه از تاریخ فلسفه؛ تعدادی جزوه درسی (در زمینه‌های روان‌شناسی تربیتی، روش تحقیق، سنجش و اندازه‌گیری،... برای دانشجویان دانشکده فنی

بابل)؛ ایدئولوژی و اوتوپیا؛ اقتصاد سیاسی سرمایه‌داری؛ مونا‌شناسی؛ اسبهای لگام گسیخته؛ سوریه؛ دموکراسی؛ ساخت اجتماعی واقعیت؛ جزوه‌های متعدد در زمینه وضعیت کودکان جهان و پیشرفت ملل (مربوط به سازمان یونسف)؛ تکامل فرهنگ؛ زندگی‌نامه خودنوشت جان استوارت میل؛ مفهوم ایدئولوژی؛ برای قرن بیست و یکم (گفت و گوی دو فرزانه: آرنلد توینی و دایسا ایکدا)؛ حقوق انسانی زنان (اقدام محلی / تغییر جهانی)؛ فلسفه در عمل؛ فرهنگ از دیدگاه جامعه‌شناسی؛ روح آیین پروتستان.

در تعدادی از کتابهای دیگری که محصول کار دسته جمعی بوده‌اند نیز همکاری داشته‌ام، که مهم‌ترین آنها بدین قرارند: فرهنگ اندیشه نو، زندگی‌نامه علمی دانشوران (۴ جلد)؛ خلاصه زندگی‌نامه دانشمندان؛ آفرینندگان جهان نو (۲ جلد)؛ فرهنگ علوم اجتماعی؛ راهنمای اجرای حقوق کودکان؛ جهان پیش از تاریخ از دیدگاهی نو؛ تاریخ آفریقا؛ دایرة‌المعارف دانش بشر؛ دایرة‌المعارف ادب فارسی (جلد اول)؛ تاریخ هنر پیش از رنسانس و رنسانس؛ دایرة‌المعارف دموکراسی (۴ جلد)؛ دایرة‌المعارف ناسیونالیسم. و ده‌ها کتاب را نیز ویراسته‌ام که ذکر نام همه آنها شاید موجب ملال خاطر خوانندگان شود. بگذریم.

— زمینه کارهای شما بیشتر در چه موضوعاتی است؟

از فهرست کارهایی که انجام داده‌ام این طور استنباط می‌شود که زمینه واحدی را دنبال نکرده‌ام. دلیل این امر شاید تا حد زیادی این بوده باشد که تعدادی از کتابها را بنابر سفارش یا اصرار ناشران ترجمه کرده‌ام، و البته ضرورت امرار معاش و تأمین خانواده عامل اصلی قبول این گونه سفارشها بوده است. اما تعدادی را که خودم انتخاب و سپس به ناشران پیشنهاد کرده‌ام در زمینه‌های فلسفه و علوم اجتماعی و انسان‌شناسی بوده‌اند، که زمینه‌های مورد علاقه خود من نیز هستند.

— «فرهنگ تلفظ نامهای خاص»، که این روزها به همت انتشارات فرهنگ معاصر

منتشر شده است، در چه زمینه‌ای است؟

این فرهنگ، در واقع، گردآورده‌ای از نامهای خاص اشخاص و اماکن است، با ثبت آنها با املای فارسی، براساس تلفظشان برحسب ملیتی که دارند. پس، این کتاب را می‌توان از زمره «فرهنگ» یا مأخذی به شما آورد که در هنگام نیاز باید به آن رجوع کرد.

فرهنگ تلفظ نامهای خاص

(تاریخی و جغرافیایی)

همراه با راهنمای تلفظ حروف لاتینی در بیش از سی زبان

فریبرز مجیدی



● فریبرز مجیدی



فرهنگ معاصر

تهران ۱۳۸۱

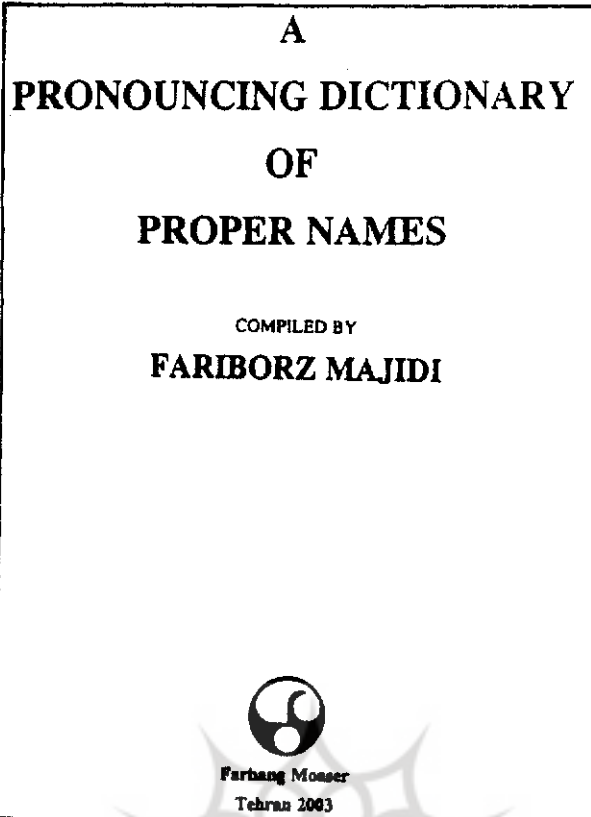
— برای تألیف و تدوین این فرهنگ از چه منابعی بهره برده‌اید؟

همان طور که پس از بخش پیشگفتار کتاب ذکر کرده‌ام، مهم‌ترین منابع این فرهنگ عبارت بوده‌اند از «فرهنگ زندگی‌نامه‌گی و بستر»، «فرهنگ جغرافیایی و بستر»، «فرهنگ تلفظ بی‌بی‌سی»، چند فرهنگ تلفظ انگلیسی، جلد ششم فرهنگ «دودن»، «خلاصه زندگی‌نامه علمی دانشمندان» (هم انگلیسی و هم فارسی)؛ و البته با نیم نگاهی به چند اثر دیگر.

— چه شد که به فکر انتشار این فرهنگ افتادید؟

حتماً شنیده‌اید که گفته‌اند احتیاج مادر اختراع است. در این مورد هم نیاز موجب شد که فکر لزوم تهیه چنین فرهنگی به ذهنم القا شود. از سال ۱۳۶۴، که برای همکاری با مرحوم استاد احمد بیرشک در مورد ترجمه و ویرایش مجموعه نفیس «زندگی‌نامه علمی دانشوران» دعوت شدم، عملاً دریافتم که بدون مراجعه به مآخذ و منابع معتبر نمی‌توان نام اشخاص و مکانها را برحسب ملیتی که دارند به صورت درست آنها به فارسی ثبت کرد. هر قدر کتابها و منابع موجود را بیشتر ورق می‌زدم به فاجعه‌ای که در مورد ثبت و تلفظ نامهای اشخاص و مکانها در متنهای فارسی پیش آمده بود بیشتر پی می‌بردم. معلوم بود که هر مؤلف یا مترجمی، هر طور که حدس می‌زده یا در جایی به گوشش رسیده، یا بنا بر سلیقه شخصی خود، آن نامها را به فارسی ثبت کرده

است. بسیاری اوقات هم کاملاً آشکار بود که مترجم یا مؤلف از فرط بی‌دقتی و تنبلی حتی به فرهنگهای مربوط به اعلام تاریخی و جغرافیایی وبستر هم مراجعه نکرده است. چند بار که داستان این کجرویها و ولنگاریها را با عده‌ای از مؤلفان و مترجمان در میان گذاشتم، بسیاری از آنان این واقعیت را پذیرفتند، ولی چند تنی که خود مرتکب چنین جرمهایی شده بودند در صدد توجیه و دلیل تراشی برآمدند و گفتند که عادهای زبانی ایرانیان با آن تلفظ نادرست سازگارتر است و نباید در بندِ درستی تلفظ نامها بود، چنان که غریبها نیز در بند چنین امری نیستند و نامها را مطابق ملیت دارنده آن نام تلفظ و ثبت نمی‌کنند. اما هر چه فکر می‌کردم نمی‌توانستم توجیهی پیدا کنم برای این نکته که چرا باید در مورد جنبه‌ای از هویت اشخاص و مکانها (یعنی نام آنها) بی‌اعتنا و سهل‌انگار بود؛ مثلاً چرا باید اسم شهرهای انگلیسی زبان و آلمانی زبان را به جای «واشینگتن» و «برلین» با تلفظ فرانسوی «واشنگتن» و «برلن» به فارسی ثبت کنیم و کجای این تلفظهای درست با عادهای زبانی ما منافات دارد؛ یا چرا باید شهر «دابلین» را «دوبلین» ثبت کنیم که نه با تلفظ انگلیسی مطابقت دارد نه با تلفظ فرانسوی - فقط از بی‌دقتی مترجم و عدم مراجعه او به یک منبع یا فرهنگ موثق حکایت می‌کند؛ یا وقتی که نام آن مستشرق هلندی به نام «دخویه» (با املای لاتینی de Goeje) را مترجمی در فرهنگ مستشرقان جهان به صورت «دو گوجه» ثبت می‌کند کاملاً معلوم است که چنین مترجمی به هیچ وجه پای بند رعایت دقت و صحت نبوده است؛ یا، به عنوان نمونه، نام خانوادگی نویسنده معاصر «پائولو کوئلیو» (با املای لاتینی Coelho) را سه مترجم به سه صورت ثبت کرده‌اند: یکی به همین صورت صحیحی که نوشته‌ام؛ دیگری به صورت «کوئلو»، و دیگری به صورت «کوئیلو»، و معلوم نیست که این دو تلفظ اخیر را از کجا استخراج کرده‌اند. کافی بود به فرهنگ تلفظ «دوین» مراجعه کنند و تلفظ صحیح را در آن بیابند و به نقش دو حرف th در زبان پرتغالی پی ببرند. چنین تلفظ صحیحی نیز با عادت زبانی ما فارسی‌زبانان اصلاً ناسازگار نیست؛ برعکس، آن مترجمانی که روزگاری نامهای انگلیسی Holmes و Palmer را، بدون مراجعه به فرهنگ یا بدون تحقیق از اهل زبان، به صورتهای «هولمز» و «پالمر» ثبت کرده‌اند و نه به صورت صحیح «هومز» و «پامر»، ظاهراً با عادهای زبانی ما بیشتر به مخالفت برخاسته‌اند زیرا تلفظ صورت صحیح‌تر برای ما ساده‌تر و راحت‌تر است، و معلوم نیست که براساس چه دلیلی تلفظ نادرست و دشوارتر را برگزیده‌اند. در هر حال، از این موارد فراوان است. البته، بی‌دقتی عده‌اندکی از مترجمان فقط به ثبت نادرست نامها محدود نمی‌شود، بلکه سایر جنبه‌های مربوط به رعایت دقت و صحت را نیز در بر می‌گیرد. مخلوط و نامفهوم بودن بسیاری از متنهای ترجمه شده در کشور ما یکی از ویژگیهای بارز «صنعت» ترجمه در روزگار ما است، و هیچ مقام و دستگاهی نه خود را متولی این امر



می‌داند و نه دغدغه رفع این نابسامانی را دارد. اگر قرار است که در مملکت نوعی سانسور وجود داشته باشد، شایسته است که فقط در مورد کسانی چنین سانسوری اعمال شود که صحت و دقت علمی را به کار نمی‌بندند، نه برای نوع اندیشه‌ها و کلمات بی‌گناهی که نویسندگان به کمک آنها اندیشه‌هایشان را بیان می‌کنند.

رفع نابسامانیهای دسته‌اخیر به تحولی فرهنگی و زیربنایی نیاز دارد که هرگز از عهده یک تن برنمی‌آید؛ اما متوجه شدم که شاید بتوانم اولین گام را برای رفع آشفتگی دسته اول بردارم و، با گذاشتن منبعی نسبتاً معتبر در اختیار محققان و مترجمان، دست کم بتوانم به آشفتگیهای ثبت تلفظهای نادرست نامهای خاص خاتمه دهم. تدوین این فرهنگ را از سال ۱۳۷۴ آغاز کردم. فیش‌برداری و تحقیق و تدوین نهایی تا سال ۱۳۷۸ ادامه داشت، و حروفچینی و چاپ کتاب تا سال ۱۳۸۱ به طول انجامید. البته، این فرهنگ فقط گام اول در پیمودن این راه است، و شاید صرفاً سنگ بنا و شالوده‌ای بیش بنا شد که باید دیگران با روشهای علمی‌تر و بهتر به کار در این راه ادامه دهند.

— ویژگی این فرهنگ در نوع خودش در چیست؟

همان طور که در پیشگفتار کتاب اشاره کرده‌ام، هیچ ادعا نمی‌کنم که کوچک‌ترین نقیصی در ثبت

اعلام در این کتاب وجود ندارد. من اساس کارم را به این فرضها گذاشته‌ام که تلفظ و ثبت همه نامهای خارجی به صورتی کاملاً مطابق با اصل در همه موارد با املاي فارسی امکان‌پذیر نیست؛ دیگر این که برای تلفظ تعدادی از حروف در بعضی از زبانها مثل لهستانی، اسپانیایی، دانمارکی، و چندین زبان دیگر نمی‌توان هیچ معادن متناظری در زبان فارسی یافت، مگر آن که معادلی تقریبی - که هر چه بیشتر به اصل نزدیک باشد - برای آن در نظر بگیریم؛ باید روشی معقول و منطقی و در عین حال عملی و ساده برای ضبط نامهای خاص برگزید و از تکلف و فضل‌فروشی شدت پرهیز کرد؛ باید به جامعه‌شناسی زبان و روان‌شناسی زبان ملت خود توجه داشت و از تحمیل ارزشهای زبانی‌ای که با عاداتهای زبانی این ملت بیگانه و حتی متنافرند خودداری کرد؛ نباید بی‌دقتی و ولنگاری را در زیر نقاب «رعایت عاداتهای زبانی» پوشانید و ساده‌سازی را با سهل‌انگاری مشتبه کرد؛ و دیگر این که باید کوشید که برای نشان دادن صورتهای آدابی نامها از ساده‌ترین علائم آوایی (فونتیک) و برای ثبت فارسی نامها از معمول‌ترین رسم‌الخط صحیح (یا صحیح‌ترین رسم‌الخط معمول) استفاده کرد تا هر مراجعه‌کننده‌ای، بی‌هیچ ابهام و آشفتگی، بتواند به تلفظ نسبتاً درست و املاي فارسی نام مورد نظر خود دست یابد.

— تصور می‌فرمایید که «فرهنگ تلفظ نامهای خاص» برای چه کسانی بیشتر قابل استفاده است؟

این کتاب در حکم یک مأخذ و مرجع است که هر کس می‌تواند برای یافتن تلفظ صحیح هر نام (در یکی از سی ملیت ذکر شده) و ثبت آن با املاي فارسی به آن مراجعه کند، ولی برای مترجمان، ویراستاران، پژوهشگران، استادان، دانشجویان، و به طور کلی همه کسانی که به نحوی با متنهای خارجی سر و کار دارند، کاربرد بیشتری دارد.

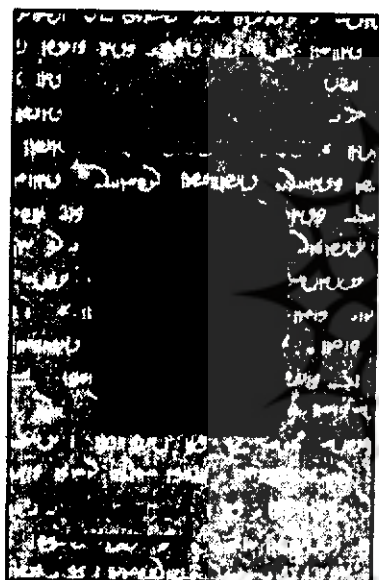
— برنامه آینده شما چیست و چه کارهایی در دست دارید؟

در حال حاضر، در چند شرکت انتشاراتی و علمی سمت مشاور فرهنگی را دارم و در عین حال در تهیه و تدوین چند دایرةالمعارف همکاری می‌کنم. دیگر چندان عمری باقی نمانده است که فرصت داشته باشم تا همه کارهایی را که دلخواه من بوده‌اند و انجام نشده مانده‌اند انجام دهم، ولی اگر فرصت دست دهه کتابی را که پیش از انقلاب شروع کرده بودم به پایان خواهم رساند. این کتاب در زمینه موضوعها و مسائلی است که در فلسفه‌های فیلسوفان مطرح شده‌اند (مثل زمان و مکان، خدا، هستی، اخلاق، زیبایی،...) و هر یک از این موضوعها را به شکل تاریخی بررسی کرده‌ام، برخلاف تاریخ فلسفه‌های معمول که سیر اندیشه و فلسفه هر فیلسوف را فقط در

سیر تاریخ تقویمی بررسی کرده‌اند. ممکن است جلد دومی هم برای نرنگ تلفظ نامهای خاص در مورد ضبط اعلام مشرق زمین تهیه کنم. البته، تحقق همه این وعده‌ها به این شرط امکان‌پذیر است که عمر وفا کنند، و نیز به این شرط که بی‌وفاییهای جامعه و کجمداریهای روزگار دست از گریبانم بردارند.



دو کتاب از التفات عبدی زاده



بررسی فرازهایی از تاریخ ایران باستان

۱۶۸ ص. ۸۰۰۰ ریال

خط پهلوی
یا

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

hām da BIRAK

۱۷۶ ص. ۱۴۰۰۰ ریال.



تلفن: (اردبیل) ۷۷۱۴۰۶-۰۴۵۱

کتابهای فوق را در تهران می‌توانید از کتابفروشیهای بکا و انتشارات رشد تهیه نمایید.